

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۹ می ۲۰۱۱

## بررسی مختصر قرآن

### بخش پنجم

#### قرآن، محمد و زن- قسمت سوم

**حفصه** دختر عمر بن خطاب : در سن ۱۸ سالگی شوهر خود خنیس ( ابن عبدالله ) بن حذافه السهمی را از دست داده و بیوه شده بود. حفصه در وقت ازدواج با محمد ۲۰ ساله و محمد ۵ ساله بود. در احادیث موجود است که بعد از اینکه ابوبکر و عثمان از ازدواج با وی سر باز زدند محمد قبول کرد که با وی ازدواج کند. حفصه نیز از حافظان قرآن حساب می شود. از ماجرا های جالبی که حفصه در آنها شرکت داشت یکی از آنها رسوائی محمد در ارتباط با کنیز حفصه یعنی ماریه است که محمد مجبور شد، سوره تحریم را بسراید. خواندن این داستان بد نخواهد بود. ماریه قبطیه یکی از کنیزان محمد بود ماریه را از مصر برای محمد فرستاده بودند. علی دشتی در کتاب ۲۳ سال خود در مورد این واقعه چنین می نویسد :

ماریه روزی نزد پیغمبر آمد آن روز پیغمبر در خانه حفصه بود و حفصه در خانه نبود. **حضرت همانجا با ماریه همبستر** شد و درین اثنا حفصه سر رسید و داد و بیداد به راه انداخت که چرا حضرت با کنیز خود در خانه و در بستر او خوابیده است پیغمبر برای تسکین خاطر حفصه و آرام کردن وی ماریه را بر خود حرام کرد. لابد پس از رفع بحران یا به واسطه علاقه ای که به ماریه داشته حضرت از حرام کردن ماریه به خویشتن عدول (صرف نظر) کرد و برای تبرئه و تزکیه وی آیت های اول تا پنجم سوره تحریم نازل شد.

سوره تحریم آیت ۱ : ای پیغمبر گرامی برای چی آنرا که الله بر تو حلال فرمود بر خود حرام کردی تا زنانت را از خود خشنود سازی در صورتی که الله آمرزنده و مهربان است

سوره تحریم آیت ۳ : وقتی پیغمبر با بعضی از زنان خود (یعنی با حفصه سخنی راجع به ماریه یا راجع به ریاست ابوبکر و عمر) به راز گفت (به او سپرد) آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگاه ساخت الله به رسولش خبر داد و او بر آن زن بر خی را اظهار کرد (و به رویش آورد) و بر خی را از کرم پرده

نهان و اظهار نکرد. آن زن گفت رسولا ترا کی واقف ساخت؟ (که من سر تو بر کسی فاش کردم) رسول گفت مرا الله دانای آگاه (از همه اسرار عالم) خبر داد. معلوم است مترجم بسیار معتبر قرآن آقای مهدی الهی قمشه‌ای دلیلی برای این گفته داشته است و آن را در قرآن وارد کرده است که این راز می تواند قولی که محمد به حفصه در باره خلافت پدرش عمر داده باشد تا او را ساکت کند. به هر سوی رسول رازی را به حفصه گفت. حفصه هم خیانت کرده و آن راز رسول را به عایشه گفت. الله هم این خیانت حفصه را به رسول خود رساند و رسول هم بعضی از سخنان الله را به حفصه گفت و بعضی را نگفت. حفصه پرسید: چه کسی این مسأله را به گوش تو رسانیده است و رسول هم در جواب حفصه گفت که الله این حرف را به گوش من رسانیده است که تو به من خیانت کرده‌ای. (آیا این در شان خداوند بزرگ است که به مسایل زناشویی محمد بپردازد و بین محمد و زناش خبر چینی کند؟؟؟) سورة تحریم آیت ۴ – اینک اگر هر دو زن به درگاه الله توبه کنید که البته دلهای شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است و اگر هم به آزار او اتفاق کنید باز (هرگز به او غلبه نکنید) که الله یار و نگهبان اوست و جبرئیل امین و مردان صالح و با ایمان و فرشتگان حق یار و مددکار او یند.

سورة تحریم آیت ۵: امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد الله زنان بهتر از شما به جایان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و اطاعت اهل توبه و عبادت رهسپار (طریق معرفت) باشند چه بکر و چه غیر بکر( اینجا خداوند امید دارد که پیامبر زناش را طلاق دهد) این هم امیدواری خدای دانا و توانای اسلام.

هموطن نازنین من: این همان قرآنی است که ما بر مزار دوستان و خویشان متوفی خود با سوز دل می خوانیم. این همان قرآنی است که من و تو به قدسیت آن احترام قایل و بارها به آن سوگند یاد می کنیم. بلی جانم این همان قرآن و به گفته عالمان دین حرفهای خدا است که آمده در اتاق خواب محمد و ذره ذره اعمال او را به ارتباط خانم هایش تعقیب و هدایت صادر می کند بلی هموطن. من و تو چون عربی نمی فهمیم تصورات ما چیزی دیگری است. لطفاً این نوشته ها را با آیات قرآن با ترجمه فارسی تطبیق نما تا بدانی به راستی و جدی این همان قرآن است که یک ملیارد انسان نا دانسته به آن ایمان دارند. به هر صورت این بود داستان ماریه کنیز و حفصه خانم پیغمبر. ۶- زینب دختر جحش الا سدی: از دواج محمد با زینب از بحث بر انگیز ترین ازدواج های محمد است. زینب از خانواده بزرگ و محترمی بود مادر زینب (میمونه) دختر عبدالمطلب پدر کلان محمد بود. زینب با زید پسر خوانده محمد ازدواج کرده بود. که داستان آنرا به شما خواهم نوشت.

زینب در موقع ازدواج ۳۵ ساله بود و محمد ۵۸ ساله و زینب تا خلافت عمر زیسته است. صحیح مسلم جلد ۲ ص ۵۱۹ جلد ۳ ص ۱۳۸ – ابو داوود ج ۳ ص ۱۳۷۷ – بحار الانوار ج ۲۲ ص ۲۰۳ زینب زن زید ابن حارثه بود زید را خدیجه در جوانی خرید و به محمد بخشید محمد نیز او را آزاد کرد و مطابق رسم عربها او را به فرزندی پذیرفت. فرزند خوانده در سنن جاهلیت حکم فرزند را داشته و تمام احکام پدر فرزندی را داشته است. اطرافیان محمد زید را زید بن محمد می خواندند و زید علاوه بر عنوان پسر خواندگی یکی از یاران صدیق و فداکار محمد هم به حساب می آمد. زینب دختر عمه محمد بود و خود محمد او را برای زید خواستگاری کرد و چون زید بنده آزاد شده بود زینب و برادرش عبدالله از قبول این خواستگاری اکراه داشتند ولی پس از نزول آیت ۳۶ سورة احزاب نه زینب و نه برادر قادر به نافرمانی بودند.

سورة احزاب آیت ۳۶ (هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که الله و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست و هر کس نا فرمانی الله و رسول کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است.) پس از نزول این آیت زینب و برادر راضی به عقد شدند و محمد تا آنروز زینب را ندیده بود. بعد از ازدواج زینب و زید محمد یک روز برای دیدن زید به خانه

زید رفت زید در خانه نبود و محمد زینب را در حالیکه مشغول غسل کردن بود، دید و عاشق او شد (علامه مجلسی . حیات القلوب جلد دوم ص ۶۰۴) چون زید ازین کار آگاه شد زینب را طلاق داد تا محمد آزادانه او را عقد نماید. محمد در سال پنجم هجرت با زینب ازدواج نمود و پس از ازدواج اهالی مدینه از جمله (طلحه) عمل محمد را در باره ازدواج او با زن پسر خوانده اش تقبیح کردند ازین رو محمد آیت ۳۷ سوره احزاب را در این باره بیان داشت که دلیل ازدواج او با زینب همسر پسر خوانده اش صدور دستور و مشیت الهی بوده است تر جمۀ آن چنین است (و چون تو به آنکس که الله اش نعمت اسلام و تو اش نعمت آزادی (یعنی زید حارثه) به نصیحت گفتی برو زن خود را نگهدار و از الله بترس (طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان می داشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) الله آشکار ساخت و تو از مخالفت و سر زنش خلق ترسیدی و از الله سزاوار تر بود بترسی و پس ما هم چو زید از آن زن کام دل گرفت و طلاقش داد او را به نکاح تو در آوردیم تا بعد ازین مؤمنان در نکاح زنان پسر خوانده خود که از آن ها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خودش حرج و گناهی نیندارند و فرمان الله به انجام رسید . . . . . همچنان در سوره احزاب آیت ۳۸ می گوید ( پیغمبر را در حکمی که الله (در نکاح زنان پسر خوانده) بر او مقرر فرموده گناهی نیست سنت الهی در میان آنان که در گذشتند و هم این است (که انبیاء را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است) و فرمان الله حکمی نافذ و حتمی خواهد بود . . . . . یعنی اینکه محمد را درین امر گناهی نیست چونکه خداوند از دل پر سوز محمد در دیدن بدن نیمه عریان زینب نخواستہ حبیبش بیشتر آزار شود و امر کرده او را نکاح کند ( صحیح مسلم جلد ۲ ص ۷۲۵ و ۷۶۰ بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۳ ) این بود داستان محمد و ازدواجش با زینب که خدای محمد برای تسکین پیامبرش با صدور آیاتی برای تصدیق کارش پیامبرش را تنها نمی گذارد و مثل شاعرانی که فی البدیہه شعر می گویند خدای بزرگ هم هر کاری که محمد می کند با صدور آیات شکل آسمانی و مقدس به آن می دهد . بلی پیامبر شدن و بودن هم یک کمال است هر کس نمی تواند پیامبر شود .

۷- جوریه دختر حارث بن ابو ضرار (اعظم النساء برکه) محمد در سن ۵۸ سالگی با جوریه که ۲۰ ساله بود ازدواج کرد . جوریه دختر رئیس قبیله بنی المصطلق یکی از قبایل یهودی متعددی بود که محمد به آن ها حمله کرده بود شوهرش مالک بن صفوان بود و در حمله ناگهانی محمد و پیروانش کشته شده بود. محمد از جوریه در خواست ازدواج کرد و جوریه قبول کرد به شرط آنکه اسرای باقیمانده ازین جنگ آزاد شوند و غنائم باقیمانده دو باره به صاحبانش داده شود. جوریه خیلی زیبا بود و عواطف عایشه را تحریک کرده بود. جوریه ۵ سال زن محمد بود و بعد از محمد ۳۹ سال زندگی کرد و در سن ۶۵ سالگی در گذشت ( ابن اسحاق – سیرت الرسول ص ۷۲۰ – ابو داوود جلد ۳ ص ۱۳۷۷ – صحیح بخاری جلد ۸ ص ۱۳۷ – بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۴ )

۸ - ام حبیبه . رمله دختر ابو سفیان بن الحرب رئیس قبیله قریش و همراهی شوهرش عبید الله ابن جحش از جمله اولین کسانی بودند که مسلمان شده و به حبشه رفته بودند اما عبید الله بن جحش در حبشه مسیحی شد و از ام حبیبه را طلاق گفت. نام اصلی ام حبیبه رمله بوده است. پیامبر اسلام از پادشاه حبشه خواست ام حبیبه را به زنی او در آورد. ام حبیبه تا ۶ سال بعد نتوانست محمد را ببیند زیرا نمی توانست به مدینه باز گردد. ام حبیبه در زمان ازدواج ۲۹ ساله و محمد ۵۴ ساله بود (صحیح مسلم جلد ۲ ص ۳۵۲ – ابن ماجه جلد ۵ ص ۳۰۲)

۹ - صفیه دختر حی بن اخطب النضری . - صفیه در هنگام ازدواج ۱۶ سال سن داشت و محمد ۶۰ سال. صفیه دختر حی بن اخطب رئیس قبیله بنی نضیر از قبایل یهودی مدینه بود که محمد به آن ها حمله و آنها را مجبور به ترک مدینه کرد. شوهر قبلی او کنعان بن ربیع بود که توسط مسلمانان در همان جنگ کشته شد به دلیل اینکه مکان

مخفی کردن خواهرانش را افشاء نمی کرد اول شکنجه و در نهایت کشته شد و پیامبر همان شب با صفیه ازدواج کرد و با وی همبستر شد او چهار سال با محمد زندگی کرد و بعد از مرگ محمد ۳۹ سال بیوه بود و در سن ۶۳ سالگی در گذشت تاریخ طبری ۳۹- ص ۱۸۵

۱۰ - **میمونه** دختر حارث الهلالیه از فرزندان عبدالله بن هلال بن عامر بن صعصعه بود- میمونه در زمان از دواج با محمد ۳۶ ساله و بعضی روایات گفته است ۳۰ ساله بوده و محمد ۶۰ ساله بود. نام شوهر پیشین او ابی سیره بن ابی دهمر بوده است و محمد در مدینه با او ازدواج کرد . میمونه سه سال با محمد زندگی کرد و پس از محمد در سن ۸۰ سالگی وفات نمود یعنی ۴۴ سال بیوه ماند. تاریخ طبری جلد ۸ ص ۱۳۶ صحیح مسلم جلد ۱ صفحات ۳۶۸-۳۶۹ جلد ۲ ص ۳۶۹ بحا الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۴ این بود داستانهای خانمهای خاتم المرسلین تا شمار ۱۰ و تحلیل بعدی ما از خانم شماره ۱۱ شروع می شود تا ببینیم در حرمسرای محمد چند زن وجود داشته است؟؟